



پس از شروع پسند،
نکته توییس
و حائزی زاده،
نفر چهارم کیست؟

"ازادی" بیان در "ازادترين مجلس دنيا" هر از چند قربانیانی می گيرد، تا مبادا از اين "ازادی" در چهت منافع استکبار جهانی و ضد انقلاب و "لیبرال ها" سوء استفاده شود. همین دو سه ماه پيش بود که شروع پسند، نماینده مستعفی کرج، به دليل اینکه حرف های بزرگتر از دهانش زده بود، به چنگ ماموران اطلاعاتی - امنیتی رژیم افتاد. برای آنکه بهانه مردم پسندی در زمینه گرفتاری شروع پسند در میان باشد، ابتدا معافون پیشین و رئیس کنونی مجلس و نیز چند نماینده دیگر بر هند او داد سخن دادند، سپس جمعی از "امت حزب الله" در برابر مجلس گرد آمدند و علیه اش تظاهرات کردند و سرانجام نماینده مستعفی به جرم انتقاد از سران رژیم زندانی آدامه در ص ۷

لایحه کار

جدید

تصویب "لایحه کار" جدید در مجلس با توجه به کاستی های جدی آن و نیز وجود موادی که مملأ زمینه تشديدة بجهه کشی و متم پر کارگران را فراهم می سازد، بارگیرگر ماهیت و اپسکرایانه و هدف کارگری رژیم را نشان می دهد و نیز توائد مورد قبول زحمتکشان میهن ما باشد.

آدامه در ص ۵

پیام شادپاش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان

روز ۷ اکتبر سال چاری، مصادف با چهلین سالگرد بنیانگذاری جمهوری دمکراتیک آلمان بود، بدین مناسبت چشم های باشکوهی در این کشور برگزار گردید. در این چشم ها، از جمله پیسیاری از ویران، دولتمردان و شخصیت های بلند پایه و پرجسته دولتش و اجتماعی و نیز هیئت های نمایندگی احزاب کمونیستی و کارگری و چنین های انقلابی و متفرقی شرکت گردند. هیئت نمایندگی حزب توده ایران، به رهبری رفیق علی خاوری نیز در این چشم ها شرکت داشت. بدین مناسبت، کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان گرمی نیز به کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام آدامه در ص ۲

مامه مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۸۰، دوره هشتم،
سال ششم، ۱۸ مهر ۱۳۶۸
۲۰ ریال

گفتار رادیو مسکو درباره چهل و هشتمن سالگرد تاسیس حزب توده ایران

در روزهای ۱۳ و ۱۴ سپتامبر، بخش فارسی رادیو مسکو گفتاری به مناسب چهل و هشتمن سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران پخش کرد. متن این گفتار چنین است:

دوستان عزیزاً
بنسبت چهل و هشتمن سالگرد تاسیس حزب توده ایران، یوری آندره یف، مفسر رادیو مسکو اندیشه های خود را درباره سرنوشت نشوار این سازمان مترقبی در میان چنان کذاres:

این حزب به "خیانت به منافع ملی" و "جاسوسی بمنفع اتحاد شوروی متهم می گردد. در سال ۱۹۸۳ وقتی که حزب توده ایران را در کشور ممنوع ساختند، حکم مقامات ایران در چنین بود: خیانت - یک کلمه وحشتناک و رقت بار. اما بیانیه سعی کنیم این امر را حلچی نمائیم که آیا چنین چیزی واقعیت داشت؟ آیا حیات این حزب می تواند مورد چنین اتهام سنگینی قرار گیرد؟

در سال ۱۹۶۱ کمونیست های ایرانی، نمایندگان روشنفکران مترقبی و کارگران، حزب توده ایران را تاسیس کردند بر بنامه حزب وظایف از میان برداشت خودسری انصهارات خارجی، تامین آزادی های دمکراتیک و اقتصادی در چهت منافع زحمتکشان مطرح شده است. این سبب شد که حزب

توده ایران به یک حزب سیاسی توده ای مبدل گردد. این حزب در اوایل سال ۱۹۶۵ بیش از پنجاه هزار نفر را در صفوپ خود گرد آورده بود. سازمان های چوانان و زنان، اتحادیه هدقان و چه بسیار اتحادیه های سنتی دیگر تحت رهبری این حزب فعالیت می گردند. افزایش سریع نفوذ

دهی این حزب کشور را به چند روز پیش از آن، در دوم مهرماه تهدید کرد که انتقام اسلامی اشغال سرزمینش را خواهد پذیرفت و هم چون گذشتۀ سرزمین های اسلامی را پس خواهد گرفت. پیشتر از آن خامنه ای نیز از امکان آغاز دوباره چند سخن به میان آورده بود.

درباره این برخوردهای متضاد چه می توان گفت؟ به این گونه اظهارات جز بی مسئولیت تمام عیار در قبال سرنوشت میلیون ها انسان چه نامی می توان نهاد؟

هاشمی رفسنجانی مدعی است که حاکمیت جمهوری اسلامی از اول چند طلب نبوده است. آیا مردم ایران طنین شعارهای "چند،

ادame در ص ۲

اختلاف میان نهادهای موازی امری طبیعی است

ادame در ص ۲

چشم انداز صلح

و وظایف

نیروهای مترقبی

در روزهای اخیر جنجالی که به مناسب سالگرد آغاز چند، زیر عنوان فقط دفاع مقدس به راه افتاده بود، پایان یافت. به این ترتیب نهمن سالگرد آغاز چند سپری شد، بی آنکه بن بست موجود در مذاکرات صلح میان دو کشور از میان برداشت شود. سران رژیم "لایت فکی" این بار نیز کوشیدند تا با هیاهو پیرامون به اصطلاح "مقامات پیروز"، خیانت تاریخی خود را در تبدیل پیروزی مردم ایران در سال ۱۳۶۱ به شکست سال ۱۳۶۷ در سایه قرار دهند. در عین حال، اظهارات متناقض مقامات طراز اول رژیم به این مناسبت بار دیگر نشان داد که آنان فاقد یک سیاست اصولی و منسجم در امر حیاتی و پر اهمیت برقراری صلح میان دو کشور همسایه هستند.

هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه ۸ مهرماه گفت: "... با توجه به اینکه نشمن دیگر توان برگشت به چند را ندارد و مانیز از اول چند طلب و طرفدار ادامه چند نبوده ایم، بنا بر این باید احتمال برگشت به چند را کاملاً ضعیف داشست".

این در حالی بود که مهدی کروبی، ویسی مجلس چند روز پیش از آن، در دوم مهرماه تهدید کرد که انتقام اسلامی اشغال سرزمینش را خواهد پذیرفت و هم چون گذشتۀ سرزمین های اسلامی را پس خواهد گرفت. پیشتر از آن خامنه ای نیز از امکان آغاز دوباره چند سخن به میان آورده بود.

درباره این برخوردهای متضاد چه می توان گفت؟ به این گونه اظهارات جز بی مسئولیت تمام عیار در قبال سرنوشت میلیون ها انسان چه نامی می توان نهاد؟

هاشمی رفسنجانی مدعی است که حاکمیت

ادame در ص ۲

ماراه پر افتخار شدید از توده ای را ادامه خواهیم داد!

فوریه ۱۹۷۹ در خیابان های تهران می رزیدند. تصادقی نمود که بسیاری از نمایندگان روحانیت، مثلاً آیت الله محمود طالقانی، سهم پزراک حزب توده ایران در پیروزی انقلاب ایران را یادآور می شدند. فروپاشی نظام استبدادی پهلوی به غرب توده ایران امکان داد تا فعالیت علمی خویش را از سر گیرد. هسته های حزبی تازه ای در تهران، تبریز، آبادان و دیگر شهرها احیا و ایجاد شدند. حزب چاب نشریات خود را از سر گرفت و راه تقویت جتبه های ضد امپریالیستی و دمکراتیک انقلاب ایران را دنبال کرد.

حزب توده ایران برنامه جامع دکرگونی های بنیادی اجتماعی و اقتصادی در چهت منافع اقشار گسترش خلق را به ملت ایران عرضه کرد. این برنامه محدود ساختن زمینداری بزرگ، انجام اصلاحات ارضی و اقتصادی اسلامی، دوری کامل ایران از وابستگی به خارج و تامین همه حقوق و ازادی های دمکراتیک برای شهروندان و بسیاری چیزهای دیگر را در نظر می گرفت. حزب توده ایران مردم را به ایجاد ایران نو و نظام عادلانه و سعادتمند قرار می خواند. واضح است که همه این ها بسیاری از ایرانیان را به حزب جلب می کرد. مثلاً یک سال پس از ازسرگیری فعالیت حزب ۱۴۷ هزار نفر در انتخابات به آن رای دادند. بنتظیر می رسید که پس از پیروزی انقلاب، مرحله فاجعه بار در تاریخ حزب توده ایران به پایان رسیده است، اما در عمل همه چیز شکل دیگری به خود گرفت. در سال ۱۹۷۷ اتهامات نادرستی، پیرامون چاسوسی علیه حزب توده ایران اقامه گردید و حزب دوباره غیرقانونی اعلام شد.

می گویند تاریخ دوبار تکرار می شود: پیکار به شکل فاجعه و تراژی دیگر به شکل کمی مسخره. اما کمی مسخره و فاجعه بار اتهامات علیه حزب توده ایران کمتر کسی را توانست دربی دهد. اعتبار حزب توده ایران در دیدگان ایرانیان و افکار عمومی جهان همچنان بدون خدشه باقی مانده است.

جهنمی و چنون آمیز خاتمه داده شود؟ استقرار صلح پایدار میان دو کشور همسایه خواست مردم ایران و عراق است و این نیز تنها می تواند در شرایط رعایت پرایری حقوق از طریق مذاکرات سیاسی بر اساس موازین پذیرفته شده بین المللی برای حل و فصل اختلاف ها پوتراز شود. در این زمینه نیز نقطه عیتیز چز قرارداد ۱۹۷۵ ایناگونه که بارها در مطبوعات و رسانه های گروهی جهان منعکس شده نمایندگان ج. ا. و عراق دانما در کشورهای گوناگون به دنبال خرید سلاح به رفت و آمد مشغولند. خرید انبیوه سلاح، چه به شکل تقطیمات منفصله و مونتاژ آن ها در داخل موزها - آن هم باکم کارشناسان خارجی -

اند که نباید به ادعاهای صلح خواهانه. رژیم های حاکم بر کشورشان باور نکنند. چه صلح خواهی دیروز حاکمان عراق ق. چه صلح خواهی امروز رهبران جمهوری اسلامی از خیف شان نشات می گیرد. آنان با سعادت و اسایش خلق های ایران و عراق بیگانه اند. هم از این روست که باید مبارزه برای پرقداری صلح پایدار میان دو همسایه را تشدید کرد. در این باره پویزه نقش تزویه ای اند. به این ارقام باید مخراج سرسام آور نگهداری صدها هزار نفر نیروی نظامی در مرزهای دو کشور را نیز افزود. همه این ها نه از چیز رهبران دو کشور پرداخت می شود. آیا زمان آن فرا نرسیده که به این دور

گفتار رادیو مسکو...

پیام شادباش به ...

ارسال داشت که در زیر متن آن به چاپ می رسد:

رفقای ارجمندا

بنابراین چهلین سالگرد پایه گذاری جمهوری دمکراتیک آلمان درودهای رزمی و شادباش صمیمانه خود را به شما و همه گوتویست ها و مردم جمهوری دمکراتیک آلمان تقدیم می داریم.

پایه گذاری جمهوری دمکراتیک آلمان، در چهل سال پیش، بزرگترین استواره چنیش کارگری انقلابی و زحمتکشان آلمان بوده است. هفت اکتبر ۱۹۴۹ چرخشی بود در تاریخ مردم آلمان و اروپا. جمهوری دمکراتیک آلمان، که بر تل حاکستر چنگ خانمانسوز چهانی دوم بپراشد، به همراه امپریالیست قرار داشت و مردم ایران در خدمات تاریخی آن هیچ شک و تردیدی ندارند. باید یادآورد شد که حزب توده ایران در سرینکوئی سلطنت پهلوی نقش داشت. گروه های مسلح این حزب در روزهای قیام

رسیسه های امپریالیسم و همیشه پیروزیها را علیه جمهوری دمکراتیک آلمان قاطعنامه محکوم می کند. برای مردم جمهوری دمکراتیک آلمان پیشنهای باز هم بیشتر در پیکار در راه صلح و ساختمان سوسیالیسم را ارزومندیم

با درودهای کمونیستی

کمیته مرکزی حزب توده ایران

ملی خاوری - دبیراول

اما نیازی به برخورد اوی از اطلاعات نظامی و فنی نیست تا هر شنووند ای به پروج بودن چندین ادعاهایی پی برد. بضاعت علمی و صنعتی کشورهای ایران و عراق پائین تر از آن است که بتوانند به تولید سلاح های پیشرفته و امروزین پیروزیانند. در واقع رقابت نه میان دانشمندان و مفترعین دو کشور، بلکه میان دلالان هر دو رژیم خوبی دیگران - و از جمله شخص هاشمی رفسنجانی - بارها و بارها از سال سرنششت ساز در چنگ، از فتح کربلا و استقرار حکومت اسلامی در عراق سخن نگفته بودند و آیا دقیقاً همین سیاست سبب نشد که پیروزی بزرگ خلخ های ایران بر ارتش متغیر رژیم حاکم بر عراق به شکست مبدل شود؟

در حال حاضر بیش از ۱۴ ماه از برقراری اتش بس میان نیروهای نظامی دو طرف من گذرد. طی این مدت هرچند زیان های جبران ناچیز ناشی از کشته شدن انسان ها به حداقل کاهش یافته، اما ادامه حالت نه چنگ و نه صلح همانند دوران چنگ تاثیر مخربی بر اقتصاد و به تبع آن بر زندگی مردم دو کشور به جای می گذارد. رژیم های جمهوری اسلامی و عراق امروزه عملی درگیر یک مسابقه تسليحاتی هستند. هر روز در ایران و عراق اخباری پیرامون باصطلاح "اختراقات" و ساخته شدن انواع موشک ها و تجهیزات جنگی منتشر می شود.



مد مکتبی

یک روزمنده پسیجی در مصاحبه با روزنامه «رسالت» خدمت در باره پدیده بدحاجی کفت است: در تلویزیون و سینما تباید مدل های جدید زنده نشانه تبلیغ اسلامی گواد. «رسالت» (۱۸/۵/۲۱) م برای این روزمنده عزیز که احتمالاً در جهیه های تبرید نور و ظرفت از تابعه سر مرود انصابت خمپاره واقع شده، شفای عاجل و برای اطراقیانش صیر جمیل ارزو من کنیم و اما در پیکری این پیشنهاد سازنده، که در صورت عملی شدن می تواند پوزه استکبار جهانی را بر خاک بمالد، این حقیر که بستی در مد دارد، پير آن شدم که چند طرح اسلامی برای ارائه به بانوان محجبه تهیه کنم. در اینجا برای اشتاین پرخی از آن ها را ارائه می دهم:

طرح اول - حجاب بالدار (مواد لازم ۲۱/۵ متر پارچه سپاه با عرض ۱/۰ - ۱۰ عدد میله نازک نتری). این پوشش که زیبایی را یا عفاف در يك جا در می آمیزد، به شکل حجاب (جاده) معمولی دوخته می شود، با این تفاوت که استین هاش بی شک بال هم خواهد داشت. برای تهیه استین بال گونه، میله ها را طوری داخل پارچه تقسیم من کنیم که پس از دوخته شدن به قسمت اصلی لباس و پوشیدن، شکل بال خفاش (در حالت باز) را داشته باشد.

محسنات این مدل: مدل فوق علاوه بر تامین زیبایی و لطافت، از این حسن نیز برخوردار است که بازوها کاملاً آزادند علاوه بر این هروقت بانوان عقیقه با مردان چشم چران و شهوتران روپروردند، می توانند با قراردادن بالها در دو سوی صورت و نشان دادن ناخن و دندان آنان را بپارانند.

طرح دوم: مانتو خاردار (مواد لازم: ۱۸/۵ متر پارچه سپاه - ۱۰ متر سیم خاردار). این لباس اسلامی همانند مانتو معمولی است با این تفاوت که روی سطح خارجی آن سیم خاردار نواری دارد که روی شود. برای زیبایی بیشتر من توان روی قسمت سینه آن به جای انواع کل ها که در بلاد کفر مرسوم است) يك یا چند عقرب خشک شده (نوع کاشانی بهتر است) اویزان کرد.

طرح سوم: حجاب تبع دار (مدل پائیزه و زمستانی): این لباس برای بانوانی تهیه شده که از تغکن مالی برخوردارند. این لباس مانند پالتو پوست، از بهم دوختن قطعات پوست طبیعی چوجه تیغی آماده می شود. بانوانی که به علت عدم وسع امکان خرید پوست طبیعی چوجه تیغی را ندارند می توانند از قطعات پوست حیوان دیگری استفاده کنند. تنها با این تفاوت که باید از داخل پوست در فواصل منظم سوزن ته گرد کار بگذارند. به طوری که سوزن ها از قسمت بیرونی پوست خارج شود. مزیت این لباس گرم و راحت در این است، که اگر از سوی بانوان مورد استقبال واقع شود، دیگر ضرورتی برای اجرای طرح جداسازی خواهان و برادران در اتوبوس باقی نخواهد ماند و آنان به طور طبیعی از یکدیگر فاصله خواهند گرفت.

اختلاف میان نهادهای موازی امری طبیعی است

و بخشداران، وزارت جهاد و سازندگی در کنار وزارت کشاورزی، شورای تشخیص مصلحت نظام در کنار دادگاه ها و داسراهای انتقال در اسلام، دادگاه ها و داسراهای انتقال در کنار وزارت دادگستری و بالآخر وجود مراکز گوناگون غیر رسمی قدرت، مانند پیش سید احمد گھمینی و گشت های مختلف خیابانی وابسته به نهادهای گوناگون تظاهر باز رسانگار و ایس مانده زائیده رئیم قرون وسطائی «ولایت فقیه» است. طبیعی است که در میان این ارگان های موازی رقابت وجود خواهد داشت و هر یک خواهد کوشید با خالی گودن ذیر پای دیگری وجود خود را ضروری تر چلوه مدد.

این نکته در مورد ارتضی و سپاه مصادق است. رهانی فرمانده سپاه که نقطه ضعف فلسه وجودی سپاه را می داند پیوسته می کوشد با ایمه و اشاره به فهماند که وجود سپاه تنها بخاطر حفظ مرزهای کشور نیست بلکه وظایف دیگری نیز به عده دارد. ونهانی می خواهد بگوید در شرایطی که هر لحظه بیم انفجار نارضایتی در گوش و کنار کشور می رود، مهمترین وظیفه سپاه سرکوب اختراحت و چنین های حق طلبانه مردم ایران است. طبیعی است رئیم میرنده «ولایت فقیه» که هر چیز با ترور و اختناق عمومی قادر به ادامه حیات اطمینان مانند سپاه برای خود داشته باشد تا بتواند با کمک آن از ترور پاپی های حاکمیت خود جلوگیری بعمل آورد.

شاه در واپسین روزهای حکومتش برای سرکوب مردم ایران از ارتضی کمک گرفت ولی کاری از پیش نبرد. زیرا قیام مردم بر حق بود. در مورد سپاه پاسداران هم می توان گفت که آن هم به هنگام گسترش ناگزیر مبارزه برای سرنگون کردن رئیم فلکت زای «ولایت فقیه» مانند ارتضی هم خواهد پاشید. نظام جنایتکار اجتماعی و قرون وسطائی را حتی به کمک مدرن ترین جنگ افزارها و گستره ترین چنایات برای همیشه نمی توان حفظ کرد.

وجود نهادهای موازی و رقیب سبب بدرشدن وضع اقتصادی کشور و فلج شدن باز هم بیشتر استگاه های اداری رئیم خواهد شد. در عین حال تشدید سیاست ترور و خفناک در درون نیروهای مسلح و ایجاد هماهنگی و انتظامی و به موازات آن پند و اندوز دهی پیرامون ضرورت وحدت و یکپارچگی هیچ دویی را نداشتند کرد.

مسئله وجود اختلافات شدید میان ارتضی و سپاه پاسداران آنقدر نیست و پاگیر شده است که هر چند گاه یکبار گردانندگان رئیم مجبور می شوند طرفین را «تصیحت» کنند و پر ضرورت هماهنگی میان آنها تاکید ورزند. رئیس جمهور که اینک ریاست کابینت را نیز بر عهده دارد، هنگام معرفی وزیر جدید وزارت «دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح» به ناکامی خود در گزینش یک افسر عالیرتبه ارتضی یا پکی از فرماندهان سپاه برای این مقام اعتراض ویک مهندس را به عنوان وزیر پیشنهاد کرد.

غمینی تئوری «ویژگی انتقال» بودن ارتضی و سپاه را بمنظور سرپوش گذاردن بر کشمکش های بی پایان آنها ابداع کرده بود. و اینک زیرین «ولایت فقیه» مانند ارتضی پیوسته می کوشد با ایمه و اشاره به فهماند که وجود سپاه تنها بخاطر حفظ مرزهای کشور نیست بلکه وظایف دیگری نیز به عده دارد. ونهانی می خواهد بگوید در شرایطی که هر لحظه بیم انفجار نارضایتی در گوش و کنار کشور می رود، مهمترین وظیفه سپاه سرکوب اختراحت و چنین های حق طلبانه مردم ایران است. طبیعی است نیروی هوایی و دو نیروی دریایی دارایی باشد. اگر وجود نیروهای کشور از گزند بیگانگان و مقابله با تجاوز کارچی است، آیا کشوری را در جهان سراغ دارید که دارای دو نیروی مسلح و دوستاد موازی با هم باشد؟ به چه ملت مردم ایران باید هزینه کرشکن دو نیروی مسلح ارتضی و سپاه را تامین کنند؟ دادن لقب «دو بازو» به ارتضی و سپاهی که رقیب اشتی تایدیز یکدیگرند، به درد توجیه یک سیاست غلط از طریق هوا می خورد و گردن مصدقی همان مثل معروف «دو ماما» و کم شدن سر چه است. شکست های مقتضیانه در جهیه های جنگ در روزهای پیش از پذیرش اتش بس از جمله یکی از پیامدهای وجود دو نیروی مسلح مستقل و رقیب را آشکار کرد.

همانطور که بارها گفته ایم در جمهوری اسلامی ایجاد نهادها و ارگان های موازی یک شیوه رایج است و تنها به وجود ارتضی و سپاه محدود نمی شود. وجود کمیته های انقلاب در کنار شهریانی و زاندارمری، امامان جمعه و جماعت در کنار استانداران

سپردن کار به کاردان

به پژوهش

به دکتر انریه هسته ای

وزارت امور خارجه

ویاست سازمان تربیت بدنی

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

ویاست سازمان زندانها

ویاست بنداد مستضعفان

وزارت کشور

وزارت اطلاعات

به مهندس

به دیوانه زنجیری

به دزد سر گردنه

به پیشنهاد مسجد

به طلب معمول و منقول

...

یادواره‌ای از رفیق ساسان قندی

مبارزه از کودکی تا مرگ



اجتماعی او را زیر تاثیر می‌گرفت. در حد نوچ و استعدادش می‌نوشت، «میزانس» می‌داد و چشم هم سن و سالهایش را به خود خبره می‌کرد. دیری نهانید که بچه‌های دیگری را هم به سمت خود جذب کرد. از آن پس کارش نوشت تماشی‌نمایه هائی با پرستاخهای بیشتر بود، و این نیاز نوشت را در او تقویت کرد. داستان می‌نوشت شعر می‌نوشت، مقاله می‌نوشت و برای دوستانش می‌خواند و آنان را تحت جذبه خود می‌گرفت. بطوطی که مدیر دیستان کوشید تا مانع او شود، هرا که خواندن تشویق می‌کرد. و بعد یک کتابخانه محلی تشکیل داد.

به این کتابخانه هر کسی می‌توانست نوشت یابد، آن که پول آغاز کرد. کتاب روح تشنگی از همان دوران ساسان را محبوب همگان کرده بود.

زمانی که به دانشگاه راه یافت، تماشی‌نمایه‌نمایی را در جدی تر گرفت. بطوطی که در همان سال در میان آماتورها جایزه بهترین بازیگر مرد را از آن خود ساخت. تماشی‌نمایه‌نمایی ای هم همراه با دوستانش (که یکی از آنان، محمد رضا رجالي فر، از شهدای فاجعه ملی است) روی صحنه آورد که در تلویزیون نمایش داده شد.

رفیق قندی از بد و ورود به دانشگاه، در شانزده سالگی

به حزب توده ایران گرایش یافت و دیری نگذشت که در سازمان «تیود» کار انقلابی را

آغاز کرد. تلفیق مبارزه ملی و مخفی کار نشوواری است و رفیق ساسان به خوبی از عهد

آن بر من آمد. پس از پیروزی انقلاب، حزب او را به ادامه فعالیت مخفی موظف ساخت.

او ضمن انجام وظائف خطیرش، گاهگاه مقاومت از جمله درباره نهمت‌های رهانی بخش برای

برخی نشریات حزبی می‌نوشت. تا اینکه هنگام پیوشر

سراسری به حزب توده ایران خفاش‌های رژیم به سراغ او هم آمدند. بیش از پنج سال را در

بند گذراند، در نشورتیرین وضع و بیترین شرایط ممکن.

هوش سرشار، آرامش و متانت نوق العاده، و صبر و حوصله ای که داشت به کمکش آمد تا بتواند با شرایط نشوار زندان

بسازد، بی انکه خدشه ای به روح و سرشت مبارز و مردمی اش وارد شود. بی انکه هیچگاه از آرمان‌های انسانی، انقلابی، و حزبی اش روی بر تابد.

رفیق ساسان پرگرور و سرفراز مرگ را پذیرفت. و بی تردید ساسان‌های دیگری از خاکستر و کبوترهای سپید بال داشت، چنانکه او در بستر نیاز زمان و در ادامه راه روزبه و روزبهان سر برداشته بود.

یادی از فاجعه ملی

مردان سپید پوش

زمین خونین است؛
افق خونین است؛
و آسمان خونین.

نه چشمک ستاره‌ای؛
نه تابش خورشید؛
و نه جلوه گری ماه.

تنها درخشش خنجرها،
و زوزه کفتاران.

از ابرها خون می‌بارد؛

در دشت‌ها رودهای خونین جاریست؛
آبشاران از خون های تازه شکل گرفته اند؛
و مهی غلیظ و خونین،

زنگی را در خود گم کرده است.

میدانی است بی انتها؛
با سنگفرشی خونین،

در میان تالابهای خون.

نه رقص ماهیان در آب،
نه آواز قمربان در گزار،
و نه گلخند دختر ناز.

تنها تندک‌ها،

و صاف چلدان.

میدانی است بی انتها
با سنگفرشی خونین
در میان تالابهای خون.

و مردان سپید پوش

بسته به تیرهای سیاه
با قامت هایی استوار

و تبسمی بر لب

و کبوترهای سپید بال

- به پرواز -

که از این تبسم هستی گرفته اند.

هنگامی که رفیق

ساسان قندی را برای اعدام می‌بردند، هنوز سی سالش نشده بود. اما نزدیک به نیمی از این سی سال را شانه به شانه پیشاپنگان چنینش توده ای در راه آزادی و بهروزی مردم نبرد کرده بود. چه کسی می‌توانست او را این راه یازدار، وقتی که تفسیش به نفس مردم بسته بود، وقتی که مبارزه جزوی جدا ناشدنی از سرشت از آن اش بود. و راستی جرم او چه بود؟ هژرا او را گشتن؟

ساسان در یک روز زمستانی، ۱۶ دی ماه ۱۳۷۷، چشم به زندگی گشود. آن سال میهن ماسکوار فرزند تهرمان خود خسرو روزبه بود. روزبه را کشته بودند تا مبارزه را بکشند. اما گوئی ساسان و ساسان‌ها از خاکستر این سمندر بلند اوایله سوپرداشته بودند تا فریاد برآورند: نه، مبارزه کشتنی نیست، زندگی ادامه دارد. در وجود ساسان و ساسان‌ها نسلی سر بر من داشت تا روزگاری پرواز عصیانی و سهمگینش را بالای سر قاتلان روزبه آغاز کند و طومار حیات ننگینشان را در هم پیچد. درینکه چنایت دیگر بار در سرزمین ستم زده ما ریشه دوامد تا روزگاری ساسان و ساسان‌ها را هم چون روزبه به آدمکشان بسپارد. اما ساسان‌های دیگر در راهند. مبارزه ادامه دارد. و این جبر تاریخ است، پیروزی پاکی بر ناپاکی، روشنی بر تیرگی، عدل بر ستم.

مهترین ویژگی ساسان هوش و ذکاوتش بود. هنوز پنج ساله بود که به مدرسه راه یافت و در شانزده سالگی سر از رشته علوم سیاسی دانشگاه بروان آورد. او دوره دبیرستان را در یاری زاده سال به پایان رساند و حتی توان آن را داشت که یک دوسال دیگر نیز از آن بگاهد. اما موانع پیشرفت در جامعه طبقاتی چنین اجراه ای به او نداد. او تشنگی یادگیری بود. و در عین حال این نیاز را در خود می‌دید تا دانسته هایش را به دیگران هم منتقل کند. او از همان کودکی به سمت مسائل هنری و اجتماعی کشش داشت. هنوز کلاس دوم ابتدائی بود که استعداد خود را در تئاتر نشان داد، نه تنها به عنوان یک بازیگر، به عنوان کسی که از خود در این راه خلاقیت نشان داد. مسائل روزمره

در مطبوعات مجاز

عقل ناسالم در بدن ناسالم است!

امام جمعه کلا چای در ارتباط با
ورزش: "بنده طبق فرمایش رهبر عزیز
رضوان الله علیه خود ورزشکار نیست...
اما نکته ای را که باید به عرض برسانم آن
است که ورزش مسلمان و مومن با ورزش
های کفار و می بندو بارها باید فرق داشته
باشد. در درجه اول مستولین امر ورزش باید
من نظرشان آن باشد که از ورزش که جسم و
بدن نیرومند من شود فقط جنبه طبیعی
و مادی آن را در نظر نگیرند زیرا پس از
صد و چند سال(!) این بدن فرسوده من شود
و استخوان ها پوک و به زیر خاک خواهد
رفت، پس نحمد کشیدن و خروج کردن و
مدتی از عمر را صرف کاری نمودن که در
نتیجه رهین خاک قبرستان خواهد شد امر
نادرستی است..."
(رسالت - ۱۸/۷/۲۲)

"رهبر" دنیا

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:
"امروز دنیا امام را به عنوان رهبر
خود قبول ندارد".
(اطلاعات - ۲۷ - شهریور ۱۸)

چه قدم اول و چه قدم دوم

لاریجانی، مشاور وزارت خارجه:
"بعضی ها بر این عقیده اند که
در ایجاد ارتباط، امریکا باید قدم اول را
بردارد و برخی نیز معتقدند که ایران اگر
این روابط برای ایران مفید باشد وظیله
شرعنی نظام است که برای برقراری آن
تشکل کند، چه قدم اول و چه قدم دوم باشد".
(رسالت ۱۹ شهریور ۱۸)

از مظاهر "عدل اسلامی"

قاسم معماری، نماینده اهر:

در حرمۀ اهر، در روستائی به نام
بهل، در سال ۱۵، در اثر ریزش کوه چندین
نفر زیر آوار ماندند و هنوز ۷ نفر از آنها
زیر آوار هستند و نتوانسته اند آنها را
در آوارگردانی بخاطر.
در رویخانه سر راه روستا بخاطر
نداشتن پل و طفیان آن ۱۲ نفر مرده اند.
نظام در این ۱۰ سال در این روستا که
تزریق به ۱۰۰ خانوار دارد، حتی یک ریال هم
خرج نکرده است. این روستا نه آب دارد و
نه راه و مدرسه و بهداشت. همه‌جین در
روستایی "آن باتان" در پخش هرین بخاطر
نداشتن آب مشروب و الوده بودن آب
نفر از وبا مرده اند.

(اطلاعات - ۲۲ - شهریور ۱۸)

"لایحه کار" جدید

طرح نیوود و حتی در قرن های گذشته نیز
به این شکل وجود نداشته است: (اطلاعات
خواستنده سرنوشت کارگران را بر شالوده
طرز تکری که "حتی جوامع فعلی سرمایه
دالری دیگر آن ها را بست فراموشی سپرده
اند" استوار ساختند. طرز تکری که باعث شد
حداقل آن مسائلی که در مورد مسائل
اقتصادی و کارگری مورد توجه همه جوامع
بشری است، در نظر گرفته نشود (همانجا).
سردمداران چهارگانی اسلامی که با
پیکار پرداختند و سازمان یافته زحمتکشان
بطوری، مدد زیر پیش روشنگری و
سازماندهی حزب ایران در محیط های
کار و تولید روپارویی شده بودند، ناگزیر
گردیدند پیش تویس توکلی را پس
پیگردند، زیرا پی بردند که اگر با قضایا
اینجوری برخورد نکنند، کلاهشان پس
معارکه است.

هدف رژیم از این عقب نشینی و عقب
نشینی های بعدی در ماهیت امر، دادن
امتیازی ویژه به کارگران و تصویب قانونی
که پاسخگوی حقوق و خواستهای طبقه کارگر
باشد، نبود. سرانجام این آن دو کامی به
عقب پرداختند که واقعاً در پیش از
بسیار کارگران نهادند تا با ظاهری
آرایش تر به میدان بیایند در پی آن، سه
پیش تویس لایحه کار دیگر، در این سال با
همان محتوای قانون نگهبان رفت. شورای نگهبان نیز
حدود ۷۰ مورد اشکال، نسبت به این لایحه
وارد داشت و اختلاف نظر بین شورای
نگهبان و مجلس سبب شد که لایحه به مجمع
تشخیص مصلحت فرستاده شود. پس از
چندی، اعلام گردید: توافق حاصل شده است
که اصلاحات لایحه کار با نظر مشترک
شورای نگهبان و کمیسیون کار و امور
اجتماعی مجلس توین شود. "لایحه کار"
فعلی در واقع شمره تلاش جدید رژیم برای
تدوین و تصویب قانون کار "اسلامی" پیش نویس
می‌رود. پیش از این رژیم، پیش تویس یا
لایحه کار را با عقب نشینی های معین در
کارگران ظاهرا در آن بازتاب یافته باشد.
در این "لایحه کار" هم بسیاری از حقوق و
خواستهای اساسی کارگران، از جمله حق
تشکل صنفی مستقل و آزاد، حق انتساب،
حق شرک موثر کارگران و نمایندگان
واقعی انان در مراجع تصمیم گیری
و پیش از این در قانون کار نبود. "لایحه
کارگران" کار گذشته خلی هم ناخواهشانید و هدف
کارگری نبوده است (سروحدی زاده - ج. ۱.
۱۳/۷/۲۵). طبیعی است که چنین ادعاهایی
برای کارگرانی که سال ها برای تدوین قانون
کار مترقب مبارزه کرده بودند قابل پذیرش
نیووده و نیست بدین سان، می بینیم اینکه
رژیم ناگزیر می شود گامی در راه تدوین و
تصویب قانون کار بردارد، از واپس نشینی
در برابر نشار طبقه کارگر سرچشمه می
گیرد.

وظیله تنظیم قانون کاری "اسلامی" و
از نظر مضمون کارگر ستیزه ای برای
نخستین بار به عده توکلی و شرکا گذاشته
شده، نست پخت توکلی تا آن اندازه هدف
کارگری بود که "حتی سلامتی، معاون
فرهنگی و پارلمانی وزارت کار، در زمان
سرحدی زاده ناگزیر گردید با صراحت بگوید
که در آن "حالت خوش بینی" به عملکرد
کارگر میان در هیچ جای دنیا به این شکل

پس از مدت‌ها سکوت پیرامون سرنوشت
قانون کار و رد و بدل شدن لایحه این قانون
بین مجاز و کمیسیون کار و امور اجتماعی
آن و شورای نگهبان و مجمع تشخیص
مصلحت، بار دیگر در ۲۸ شهریور "لایحه کار"
سلاخی شده، برای تصویب در مجلس مطرح
گردید.

طرح "لایحه کار" گذشت قطع نظر از
مضمون و ماهیت آن، آن هم پس از گذشت
تزریق به ۱۱ سال از بست گرفته قدرت
توسط غمینی و پیروان او، اشکاگر حقایق
بسیاری است. از جمله اینکه، طی سال های
گذشت، قانون کار شاهنشاهی اجرا می شد و
پر روابط بین فروشنده‌گان نیروی کار و
کارگر میان و مدیران فرماتورا بود. این
بخوبی خود بیانگر سیاست هدف کارگری رژیم
است. دیگر اینکه در نتیجه مبارزه پرداختند
کارگران و زحمتکشان در راه توین و
تصویب یک قانون کار مترقبی که پاسخگوی
منافع و خواستهایشان باشد، و بازتاب عینی
این مبارزه در درون حاکمیت، سران مرتع
جمهوری اسلامی تاکنون عمل نتوانسته اند
قانون کار نلخواه خود را بتصویب
برسانند.

"لایحه کار" نیم بندی که مواد اصلاح
شده آن در مجلس تصویب می گردد، برای
اولین بار ۴ سال پیش به مجلس پرده ماد سال ۱۶
پس از تصویب نهایی در ۲۲ آبان ماه سال
به شورای نگهبان رفت. شورای نگهبان نیز
حدود ۷۰ مورد اشکال، نسبت به این لایحه
وارد داشت و اختلاف نظر بین شورای
نگهبان و مجلس سبب شد که لایحه به مجمع
تشخیص مصلحت فرستاده شود. پس از
چندی، اعلام گردید: توافق حاصل شده است
که اصلاحات لایحه کار با ظاهری
شورای نگهبان و کمیسیون کار و امور
اجتماعی مجلس توین شود. "لایحه کار"
فعلی در واقع شمره تلاش جدید رژیم برای
تدوین و تصویب قانون کار "اسلامی" پیش نویس
می‌رود. پیش از این رژیم، پیش تویس یا
لایحه کار را با عقب نشینی های معین در
برابر موج مبارزات کارگران و دیگر
زمینه‌گذاری نیز گرفته است. اشاراتی به این
روند طولانی و پر فراز و نشیب برای دوک
دقیق محتوای "لایحه کار" گذشت نهضور
است.

به اعتراض وزیر کار پیشین، "در بدو
انقلاب کسی به فکر قانون کار نبود". "لایحه
قانون کار گذشته خلی هم ناخواهشانید و هدف
کارگری نبوده است (سروحدی زاده - ج. ۱.
۱۳/۷/۲۵). طبیعی است که چنین ادعاهایی
برای کارگرانی که سال ها برای تدوین قانون
کار مترقب مبارزه کرده بودند قابل پذیرش
نیووده و نیست بدین سان، می بینیم اینکه
رژیم ناگزیر می شود گامی در راه تدوین و
تصویب قانون کار بردارد، از واپس نشینی
در برابر نشار طبقه کارگر سرچشمه می
گیرد.

از نظر مضمون کارگر ستیزه ای برای
نخستین بار به عده توکلی و شرکا گذاشته
شده، نست پخت توکلی تا آن اندازه هدف
کارگری بود که "حتی سلامتی، معاون
فرهنگی و پارلمانی وزارت کار، در زمان
سرحدی زاده ناگزیر گردید با صراحت بگوید
که در آن "حالت خوش بینی" به عملکرد
کارگر میان در هیچ جای دنیا به این شکل

گزارشی از روز رای گیری انتخابات رئیس جمهوری



در خیابان پلورسازی چوارده کسی ثبود. صندوق شماره ۱۷۰۲، باز هم در چوارده تنها ۴ نفر مرد رای می‌دادند. صندوق ۱۷۰۸ در میدان حق شناس، ۳ نفر زن در حال خروج. صندوق شماره ۱۷۳۵ خیابان تواب کسی ثبود. صندوق شماره ۱۰۱۹ در خیابان مرزوی، حمله شلوغ بازار ۶ نفر مرد. صندوق شماره ۱۵۰۷ در ده متري چوارده کسی ثبود و مستولین بظاهر من رسید که در حال تقلب و ریختن رای قلابی به صندوق بودند. این امر را در مورد صندوق ۱۵۱۱ در ۲۰ متري چوارده نیز می‌توان گفت. در صندوق اخیر، ساعت ۸/۵ بعد از ظهر کسانی دیگرهم دیده اند که رای تقلبی ریخته می‌شود.

دارد بیل

مدتها پیش از رای گیری، در شهر شایع شده بود که هر کس رای ندهد و شناسنامه اش مهر خود را کوین خواهد گرفت و از اجتناس سهمیه یعنی شده محروم خواهد شد. عوامل رژیم در محلات، مراکز گوتانگون کار و حتی در میان بیکاران به راه افتاده بودند و گاهی با زبان چوب و نرم و گاهی با تهدید مردم را به رای دادن فرا می‌خواندند. در مدارس راهنمائی و دبیرستان‌ها به داشت آموزان پانزده ساله به بالا چنین القاء می‌شد که گویا اگر رای ندهند جزء "گروهک ها" به شمار خواهند آمد و یا ممکن است موقع امتحان برایشان مشکلی پیش بیاید.

رای اجباری با چند شناسنامه

روز رای گیری به محله "مقصد راه نیاز" شعبه ۱۹، مسجد امام حسن رفت. رفت که سروگوش آب پدید. حدود ۴۵ نفر در صاف بودند که ۲۰ نفر از آنان زن بودند و "حزب الله". مردها عموماً از افراد رحمتکش محله بودند. وقتی یک از آنان - که پنجاه سالی داشت - از مسجد بپردازد. گفتم: "پس چرا رای دادی؟" جواب داد: "مثل اینکه خوابی! این رئیس جمهور ۵ ماه پیش انتخاب شده، چه مردم رای بدهند، چه ندهند." پرسیدم: "مگر نکفته اند که هر کس باید با شناسنامه خودش رای بدهد؟" می‌دانست. مسجد اسلامی شناسنامه داشت. پرسیدم: "اما شما شش جلد شناسنامه همراه اوریدید؟" با پوزخندی جواب بداد: "اگر کسی به رفستجانی رای بدهد، صد تا شناسنامه هم که داشته باشد اشکالی ندارد." پرسیدم: "کی من فهمد که شما به رفستجانی رای دادید یا کسی دیگر؟" مگر رای گیری مخفی نیست؟" گفت: "اگر بخواهی رای مخفی بدهی، آنوقت بیکر قبول ندارند و چارچشمی موازنید تا فقط با شناسنامه خودت رای بدید: از مخاطب پرسیدم: "با این حرف ها معلوم است که دل خوش از این رژیم نداری، پس چرا رای دادی؟" آنی کشید و گفت: "شما مثل اینکه انجمن اسلامی ها را نمی‌شناسی. آنها هند روز است که من کویند هر کس رای ندهد ضد انتخاب است و نباید به او کوین داد." او سخن دردناک خود را چنین پایان داد: "شناسنامه اعضای خانواره ام از کرچک و بزرگ و بروم و به انجمن اسلامی ها که جلوی صندوق بودند دادم. گفتم: بفرمائید این شما و این شناسنامه ها."

رؤیم در زمینه "استقبال" مردم از انتخابات ریاست جمهوری بسیار داد سخن داد. تمام رسانه های گروهی کشور در این باره تبلیغات وسیعی کردند. در آن روزها هوازمان حزب در داخل کشور در میان مردم بودند و واقعیت هائی را دیدند که ماهیت تبلیغات رؤیم را افشا می‌کند.

در تهران

پیر زنی که او را من شناخت از مسجد بپردازد. وقتی من را دید، مثل کسی که کار ناشایستی کرده بشدت سرش را زیر انداخت. گفتم: "مادر شما که مخالف رژیم هستی، چطور شد رای دادی؟" گفت: "آخه شناسنامه ام را تازه عرض کرده ام. گفتم لااقل یک هر انتخابات بخورد که مسجد ایراد نکیرد. سرشان را بخورد با آن دفترچه های سهمیه شان."

یک دانشجو از اهل محل سر رسید و گفت: "من آمدی مسجد و من دیدی چه کسانی رای می‌دادند؟" بیشترشان مختلف رژیم بودند و من گفتند حداقل از هر خانواره یک نفر رای بدهد که می‌دانم اشکالی پیش بباید. خیلی هم رای سفید آنداختند یا دری وری نوشتد.

یک دانشجو من گفت: "برای اینکه شناسنامه ام همچو خود و تو دانشگاه برایم مشکلی پیش نماید به مسجد رفتم. من ساکن یوسف آباد هستم. وقتی وارد شدم غیر از مستولین صندوق پرنده هم پر نمی‌زد. وقتی من را دیدند درست مثل اینکه مهمان عزیزی رسیده باشد از جا بلند شدند و خوش آمد گفتند و مستور دادند برایم چای بیاورند. این دانشجو بعد سری تکان داد و گفت: "باید کن از خود خجالت کشیدم. مدتها توی خیابان خلوت قدم زدم، تا بلکه بتوانم وجاداً خودم را قانع کنم که رای من رای به بقای رژیم نیست، ولی نتوانستم خودم را قانع کنم. او در پایان گفت: "من دانستم که رژیم اینقدر مردم را نفرت مردم است. قول من دهم که از این محله به این بزرگی ۱۰۰ نفر با رهای خاطر رای نداده باشند."

در بیمارستان های تهران

در بیمارستان های تهران صندوق های سیار از پرستل و بیماران رای گیری اجباری می‌کردند. در مواردی که کسی با خودش شناسنامه نیاورده بود در گیری لفظی و مشاجره پیش می‌آمد که مگر شما نمی‌دانستید امروز روز رای گیری است" چرا شناسنامه همراه ندارید؟" پرستار یکی از بیمارستان ها (نام این بیمارستان را نمی‌آوریم) گفت: "ما همه قرار گذاشتیم بودیم که بگوییم شناسنامه نیاورده ایم فقط دو نفر از انجمن اسلامی ها شناسنامه اورده بودند."

در پادگان ها و زندان ها

بجز بیمارستان ها و اماکن خدماتی مشابه که رای گیری اجباری انجام گرفت. کشتی در تهران زدم. صندوق شماره ۱۷۷

کشتی دیگر در تهران

(از یک گزارش)

از ساعت ۱/۵ الی ۱/۰ بعد از ظهر

کشتی در تهران زدم. صندوق شماره ۱۷۷

چه کسی مسئول است؟

حلقه دود و آتش به بیرون پکریزند؟ ایا کوکستانها یا زمینهای بازی زیر نظر مردمی می‌گذرانند یا اگر حداقل امنیت اجتماعی در جامعه وجود داشت که مادر بدون نگرانی، آن‌ها را در بیرون از خانه برای بازی به حال خود رها من ساخت، هیچ‌گاه این گونه حوادث چنین قربانی می‌گرفت؟ اگر مادر خانه دار چنین کوکستانی ناگزیر نبود برای تهیه مایحتاج اولیه ساعت‌ها در مفت‌های طوبیل پایسته، آیا جلوی وقوع بسیاری از این‌ها دارد گرفته نمی‌شد؟ دوباره محل حادث و نقش آتش نشانی نیزگاهی است بگوییم که آتش سوزی در همدان، یعنی شهر مرکزی استان و دو یکی از خیابان‌های اصلی این شهر، بوعملی، روی داده استحال باز باید پرسید: چرا نباید وسائل آتش نشانی در مقایق اولیه در محل آتش سوزی حاضر شود و چهارساعت خانه ای بسوزد؟ وقتی در مرکز یک استان حداقل امکانات اطفای حریق به سه ماشین آب پاش خلاصه می‌شود، تکلیف شهرها و روستاهای دورافتاده چیست؟ حتیماً از آتش سوزی در آن نقاط جز خبر سوخت و خاکستر شدن به آتش نشانی نمی‌رسد.

و اخیرین پرسش این است که چه کسی جز دزیم وضع و زندگی چنین شواری را برای توده‌های مردم بوجود آورده است؟

گذشته از آن که اختلافات و درگیریهای دامنه دار را نشان می‌دهد، بیانگر این واقعیت است که با وجود چنین رؤیعنی حقیقتیکترین اشخاص به سمتگاه حاکمیت در صورت مخالفت و انتقاد احساس امنیت نمی‌کنند و چنانشان در خطر است. در این چارچوب است که حمله و نسخانی، هنگام دفاع از کایپنه اش به ۲۰ درصد از نمایندگان و نادرست خوانده شدن «وقایع و مفکری» با آنان معنی می‌گیرد. آیا نه این است که امروز این سی درصد و فردا آن کسانی که با آنان رفاقت و همکاری می‌کنند در وضعیت مشابه حائری زده و شرع پسند قرار خواهند گرفت؟ در اینجا بحث بر سر آن نیست که چرا یک جنایت معین از مجلس ذیر حمله است، بل بحث بر سر آن است که در ج. ا. بوبیژ در "ازادترین مجلس" آن هیچ کس نمی‌تواند از ادانه نظرش را بکوید، حال از این چنان باشد یا آن جناح. کافی است که در این زمینه سخنان رجای خراسانی پیرامون پیشنهاد پیشقدم شدن در حل اختلافات و ایجاد مناسبات یا عربستان سعودی در همین روزهای اخیر را مثال بزنیم. باز هم بی‌آنکه بخواهیم درباره ضرورت و یا عدم ضرورت ایجاد روابط با عربستان سعودی سخن بگوییم، می‌بینیم که در واکنش مطبوعات مجاز نسبت به پیشنهاد رجای خراسانی فقط جای ناسزا و فحش خالی است، و گرته هر نوع بر جمیعی به این نماینده زده شده و از توهین به او خودداری نکرده اند تنها کمیسیون سیاست خارجی مجلس یک بیانیه رسمی اعلام کرده است که نامبرده "نظر شخصی" اش را ابراز داشته و این نظر کمیسیون نیست. اگر نوشته‌ها و برخوردهای توهین امیز را که از فرهنگی تازل و اخلاقی مبتذل سرچشمه می‌گیرد طومار اختناق و بربدین حلقوم حق کوشی از قضا ننمایند، پس آن را چه باید بنامند؟

هاین نیز قربانی می‌شوند. ملل و قوع چنین حادثه چیست و مستول اصلی خسارات جانی و مالی ناشی از آن‌ها کیست؟ برای یافتن پاسخ بگوئه ای گذا به تجزیه و تحلیل حادثه بالا می‌پردازیم.

این حادثه در روز روشن، در ساعتی اتفاق می‌افتد که پدر زحمتکش خانواره برای تائین هزینه سراسر اور زندگی در محل کار خود است و مادر برای خرید تان و بیکر مایحتاج اولیه کوپنی و روزانه، از این صفت به آن صفت می‌شود، و ای بسا که چک‌گوشکان بیچاره خود را برای دور نگهداشت از هزار بلیغی بیرون از خانه همانند بجهه دزد، تصادف با ماشین، افتادن در چاه و غرق شدن در گودال‌های آب و ... در اتاقی که حکم اشیزخانه را نیز دارد، حبس کرده است.

در مورد زمان و قوع حادثه می‌توان پرسید: چرا باید بجهه هاین خرسال بگوئه ای در خانه حبس شوند که حتی وقتی آتش سوزی مهیبی بوجود آید، در مقایق اولیه که هنوز شعله بالا نگرفته است نتوانند از

۳ کودک در آتش سوزی منزلشان جان سپردند.

آنچه خواندید خیر کوتاهی است که در صفحه حوالی روزنامه کیهان ۱۶ شهریور به چاپ رسیده است. کیهان پیرامون این حادثه نلخراش به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی از جمله سطэр زیر را نوشته است:

"این حريق در خيابان بوعلى سيناى همدان رخ داد و تلاشهای مستمر سه سمتگاه خورروی آتش نشانی و پرسنل آن جهت اطفای حريق و نجات جان اين سه کودك زير شش سال ناموفق ماند."

به هنگام وقوع حريق که چهار ساعت بطول انجامید پدر خانواره در محل کار و مادر خانواره نیز چهت خريد در خارج از منزل پسر می‌برده اند."

"گفت همیشه شود فرزند بزرگ این خانواره قبل از گسترش حريق جهت نجات جان سایر قربانیان وارد محوطه حريق گشته و خود نیز مولق به خروج از محل نشده است. در اثر این حادثه محل مذکور بکل ویران شد."

بدینسان، تتها در يك حادثه نلخراش سه کودك خرسال بیگناه بگوئه ای در دنیاک در دل شعله های سرکش آتش می‌سوزند و جزغاله و خاکستر می‌شوند، بی‌آنکه فریباشان شنیده شود.

هر ساله، صدها مورد آتش سوزی از این نسبت روی می‌دهد که در هر يك انسان

"آزادی در" آزادترین ...

شد.

پس از شروع پسند نوبت نکته تویس در اطلاعات شد - که باز هم در "آزادترین مجلس دنیا" علیه او داد سخن دادند، سپس امت حزب الله تظاهرات کردند و مقاالتی بر هدش نوشته شدند و با "سلمان روشن مقایسه اش کردند و بقیه قضايا هنوز روشن نیست. یعنی برای نسبت اندرگاران روشن است، اما مردم هنوز در جریان کار قرار نگرفته اند.

اما این رشتہ سر دراز دارد. بعد از شروع پسند نکته تویس، حالاً نوبت حائری زاده، یکی دیگر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسیده است که به جرم ابراز مقیده برایش خط و نشان می‌کشند، تظاهرات به راه از ادانزند. و معلوم نیست تا این لحظه که این یادداشت نوشته می‌شود. برای آن که را زیر سوال برد و با تبلیغات بلند گوهای استکباری هم چهت شد. بینابراین مردم حزب الله و شهید پرور شهرستان بیرجند...

با اجتناب در مقایل دادسرای انقلاب اسلامی این شهرستان خواستار دستگیری و اخراج نامبرده از مجلس شورای اسلامی شدند. رسالت از این اقتضار مختلف مردم بیرجند که گویا به فقرت این روزنامه مراجعه کرده اند و از اظهارات او حائز زاده تبری چسته اند از مسئولان ج. ا. می‌خواهد که با این جریانات وحدت شکن و تفرقه افکن برخورد چیز شود. تا آنچه که نطق حائری زاده (منعکس شده در نشریات مجلات) نشان می‌دهد، وی رهبر گرامی و ریاست محترم جمهوری را "زویزکار" نامیده و تلقن را نیز گفته است، اما در

شارهای این را یاده دارد. شدن "خارج شدن موسوی های خط خمینی از گروته کار و سیاست و قضاوت" از چشم افتدان "طبق و جناحی" که خمینی لطف خاصی به آنان داشته است. وسوسه های شیطان در بهشت انقلاب" . اشتی و معامله سیاسی با عربستان سعودی، پلیعده شدن "آرمان های انقلاب" و لجن مال گردیدن "خون های پاک ایلیون و آبرویشان" توسط صاحبان زور و زور و تزویر، گرایش و دیم به سمت استقرار خارجی که "گرفتاری های بزرگ" را در پی دارد، تهیه کردن "طومار اختناق" علیه کسانی که انتقاد می‌کنند توسط "برخی

سازمان بین المللی کار جنایات رژیم ج.ا. را محکوم کرد

اشارة، تبعیض و عدم امنیت شغلی و تحریکی برای اقلیت‌های مذهبی، زنان، دگراندیشان و خانوارهای خود را فرزندان آنان بود.

مخبر کمیسیون گزارش داد که در پسیاری موارد، افراد متعلق به اقلیت‌ها برای حفظ شغل و موقعیت اجتماعی خود محبوب‌بودند. این نشست که در ژوئن امسال در ژنو برگزار شد، دهها هیئت تاییدنگی از کشورهای مختلف، از جمله از ج.ا. شرکت داشتند.

در گزارش امده بود که براساس قانون مصوبه ۱۴ مه ۱۹۸۲ (۷ فروردین ۱۳۶۰) ایران، زنان، اقلیت‌های مذهبی و کلیه دگراندیشان از شغل تقاضوت محروم‌بودند. نمایندگان رژیم در پاسخ مانند همیشه به شانتاژ، طرح مسائل فرعی و دروغ و تحریف نسبت دادند.

شرکت کنندگان در کمیسیون پس از استماع گزارش هیئت تاییدنگی جمهوری اسلامی، موارد تناقض بین مقاوله تامه مطروحه (مقاله تامه شماره ۱۱۱) قوانین و عمل دولت جمهوری اسلامی را، بوسیله در رابطه با اشتغال و آموختن خاطر نشان کردند. از جمله تصریح شد که در جمهوری اسلامی "تبعیضات سیاسی - مذهبی وجود دارد" و آن را "خطرناک و نگران کننده" ارزیابی کردند.

نامه "اجمن پناهندگان و پناهجویان ایرانی - ترکیه"
به کمیسیونی عالی سازمان ملل متعدد در امور پناهندگان

های جنگ ناعادلانه ایران و عراق سر باز زده و اکنون در ترکیه اواره‌اند. اما با کمال تأسف کشورهای پناهندگان پذیر از پذیرش آنان بعنوان پناهندگان در کشورشان خودندازی می‌وزند. دلیل آنها بر عدم پذیرش این چوانتان، خاتمه یافتن چنگ و غوشان از سوی رژیم می‌باشد. اما با توجه به این موضوع که این چوانتان در زمان چنگ از استورات نظامی تمرد کرده‌اند به وعده وعده‌های رژیم تهم پوشش غلو عمومی تا چه اندازه‌ی توان اعتماد داشت؟ رژیم که در سال چندین بار به علت نقض حقوق بشر از سوی سازمان پناهندگان و پناهجویان ایرانی - ترکیه، چگونه می‌تواند طرف اطمینان قرار گیرد؟ لذا ما از شما مخواهیم که از نفوذ خود مدد گرفته و از کشورهای پناهندگان را با درخواست نمائید تا با پذیرش این چوانتان در کشورشان به عنوان پناهندگان در بخشیدن جان صدّها چوانت سهیم گردند.

در نشست بین المللی سازمان جهانی کار، جنایات، تبعیض‌ها، نبود امنیت شغلی و دگراندیشان و خانوارهای اقلیت‌ها و املاک در ژوئن محبوب شد. در این نشست که در ژوئن امسال در ژنو برگزار شد، دهها هیئت تاییدنگی از کشورهای مختلف، از جمله از ج.ا. شرکت داشتند.

نشست از طرف شرکت کنندگان طرح شد که از آن میان عدد ترین موارد از قبیل رشد اقتصادی، اشتغال، وام خارجی، دفاع از حقوق و آزادی‌های سنتی‌گایی در فلسطین و دیگر سرزمین‌های اشغالی، ... در پنجه کمیسیون در نستور کار گذاشتند.

اذون بر آنچه گفته شد، مسائل دیگری نیز در کمیته‌ها و کمیسیون‌های جنبی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. از جمله کمیسیون ویژه تطبیق مقاوله نامه‌ها و بخششانه‌ها در بخشی از فعالیت‌های خود به مسائل کار و کارگری در ایران پرداخت.

مخبر کمیسیون در گزارش مشروح خود با استناد به اطلاعات موجود و با توجه به شهادت قربانیان مستقیم سیاست کارگر ستیزانه رژیم در محیط‌های کار و همچنین باستاند گزارش‌ها و محاکمیت‌های پی در پی رژیم از طرف سازمان‌های بین المللی ثابت کرد، که رژیم جمهوری اسلامی به دفعات و در موارد مختلف تهدیدات بین المللی را زیر پا نهاده است. از جمله مسائل مورد

جان زندانیان زن دو خطرو است!

بنابراین سالگرد ناجعه ملی نمایندگان احزاب شرکت کننده در جشن امنیتیه متن زیر را امضاء کردند:

صدھا تن از زندانیان سیاسی در تابستان گذشته توسط رؤیم چنایتکار جمهوری اسلامی اعدام شدند. جان زندانیان خصوصاً زندانیان زن چندی در خطر است. حقوق بشر، به شکلی وحشیانه توسط رؤیم ولایت فقیه لکد مال می‌شود.

ما احزاب و سازمان‌های شرکت کننده در جشن امنیتیه سال ۱۹۸۱ این جنایات را محاکم نموده و قویاً خواستار:

- قطع سریع اعدام‌ها :
- آزادی تمامی زندانیان سیاسی :
- احترام به حقوق بشر در ایران هستیم .
- ۱- حزب سوسیالیست پیشوار الجزاير
- ۲- حزب کمونیست هند
- ۳- حزب کمونیست عراق
- ۴- حزب کمونیست تونس
- ۵- چیهه آزادی ملی بحرین
- ۶- حزب دمکراتیک ملی فیلیپین
- ۷- حزب کمونیست فلسطین
- ۸- حزب کمونیست بلژیک
- ۹- حزب کمونیست پاراگوئه
- ۱۰- حزب دمکراتیک ملی آفریقا
- ۱۱- حزب کمونیست سودان
- ۱۲- چیهه آزادی ملی الجزایر
- ۱۳- حزب کمونیست لوکزامبورگ
- ۱۴- پ- ای- ت (ستگال)
- ۱۵- اتحاد نیروهای ترقیخواه کنگو
- ۱۶- سازمان زنان کمونیست بلژیک
- ۱۷- حزب کمونیست ترکیه
- ۱۸- اتحاد دمکراتیک ملی چاد
- ۱۹- لازم به تأکید است که اعضاء کنندگان عدالت اعضاه هیئت سیاسی و یا کمیته مرکزی این احزاب بوده و این متن را نه در چارچوب سازمان محلی بلکه در چارچوب کل حزب به اعضاء رسانده‌اند.

